

پدیدارشناسی تکنیک‌های امام علی (ع) برای صلح (مطالعه موردی عهدنامه مکتوب خطاب به مالک اشتر)

روح اله اسلامی*

وحید بهرامی عین‌القاصی**

چکیده

صلح شعاری است که از غایت‌های علم سیاست محسوب می‌شود. برای این‌که صلح از حالت شعاری بیرون بیاید و در واقعیت عینی و وجوه اجتماعی و سیاسی عملیاتی شود نیاز به تکنیک دارد. امام علی (ع) یکی از بزرگان و اندیشمندان اسلامی است که در نامه‌اش به مالک اشتر، کارگزار خود، شیوه‌های اجرایی و کاملاً عملی برای رسیدن به صلح را ترسیم می‌کند. در این پژوهش بر شش تکنیک راهبردی امام علی (ع) در اندرنامه به مالک اشتر با عنوان: ۱. تکنیک متافیزیکی، ۲. تکنیک تفهیمی و پدیداری، ۳. تکنیک تقدم عمل بر دانش (واقع‌گرایی)، ۴. تکنیک نیت‌خوانی نکردن، ۵. تکنیک بردباری و خاموشی خشم و ۶. تکنیک تواضع و درویشی اشاره می‌کنیم و با استفاده از تحلیل محتوای نامه با روش پدیدارشناسی به نقد و ارزیابی اندیشه آن بزرگوار در مورد صلح می‌پردازیم. چهارچوب تئوریک به‌کاررفته در این پژوهش تکنیک‌های قدرت برگرفته از آثار مارتین هایدگر و میشل فوکو و جورجو آگامبن است، که در مورد اخلاق جایگاهی اندرنامه‌نویسی اسلامی به کار گرفته شده است.

کلیدواژه‌ها: پدیدارشناسی، امام علی (ع)، عهدنامه مالک اشتر، صلح.

* استادیار علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) eslami.r@ferdowsi.um.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد vahidbahrani86@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۹

۱. مقدمه

برخی بر این اعتقادند که شیعیان جمعیتی منتقد و خارج از قدرت سیاسی در جهان اسلام‌اند که توانایی اندیشه‌ورزی واقع‌گرا و عمل‌گرایانه در مورد قدرت را ندارند. به باور بسیاری از شرق‌شناسان و متفکران اندیشه‌سیاسی، شیعیان در سامان‌دهی قدرت همیشه در قالب الترناتیوهای حاشیه‌ای ظاهر شده‌اند. این کلیشه بر این باور است که شیعیان هیچ اندیشه‌سیاسی سازنده و عملیاتی‌ای پیرامون تکنیک‌های حکومت ندارند و تنها به انتقاد و اندرزهای آرمانی بسنده می‌کنند. قصد نویسندگان این مقاله آن است که نشان دهند در مانیفست اندیشه‌سیاسی شیعیان، یعنی *نهج‌البلاغه*، تکنیکی‌ترین و حکیمانه‌ترین گزاره‌ها در باب سامان‌دهی قدرت ابراز شده است. امام علی (ع) زمانی که حکومت تشکیل داد به کارگزاران و دشمنان و مردم زمانه خویش نامه نوشت. ۷۹ نامه ایشان در *نهج‌البلاغه* تکنیک‌های اصیل و کاربردی حکمرانی را تشریح کرده است. هدف نویسندگان این مقاله، تأکید بر صلح در اندیشه‌سیاسی است و در این راستا با مطالعه موردی نامه امام علی (ع) به مالک اشتر نشان می‌دهند که تکنیک‌های عملیاتی امام جهت سامان‌دهی صلح چه بوده است.

۲. بیان مسئله

انسان‌ها شبیه یکدیگر فکر نمی‌کنند و حتی زمانی که یک واقعه، رویداد، عکس، فیلم یا هر متنی را مشاهده می‌کنند، تفسیرهای متفاوتی از آن دارند. تاریخ، جغرافیا، سیاست یا به عبارتی زمان و مکان و روابط قدرت در شکل‌دهی به نیت‌های انسان‌ها نقش اساسی دارد. بر همین اساس، در زندگی جمعی انسان‌ها به علت تفسیرهای متفاوت ناشی از نیت‌های مختلف درگیری، خشونت، تنش، جنگ، و روابط غیر انسانی شکل می‌گیرد (آگامبن، ۱۳۸۶: ۴۱-۴۴). تاریخ بشر سرشار از رویارویی انسان‌ها در قالب جنگ امپراتوری‌ها، دولت‌ها، طایفه‌ها، و اقوامی است که با استدلال‌ها و پایه‌های مشروعیتی گوناگون به جان یکدیگر افتاده‌اند و به بهانه برتری قومی، مذهبی، نژادی، و یا اصلاح و نجات بشر به جنگ روی آورده‌اند. در جنگ‌ها عموماً یک قدرت (بازیگر سیاسی) پیروز می‌شود، شهروندان بازنده اصلی هستند، و رعیت هم هیچ‌گاه پیروز نمی‌شود. بنابراین، درک شرایط صلح و از بین بردن خشونت و جنگ یکی از اهداف علوم انسانی است. دریافتن این‌که با عقاید گوناگون چه باید کرد و چه تکنیک‌هایی را باید به کار برد تا جامعه در شرایط صلح به سر ببرد و جامعه بین‌الملل از جنگ دوری کند.

سیاست به معنای سامان‌دهی به امر عمومی است. در گستره این معنا علاوه بر امنیت، رفاه، آزادی، کارآمدی، و سایر آرزوهایی که اندیشمندان سیاسی برای نظم‌دهی به امر عمومی متصور بوده‌اند، حاکم شدن آرامش و شیوه‌هایی که انسان‌ها به صورت مسالمت‌آمیز و بدون خشونت اختلافات خود را حل و فصل نمایند نیز از اهداف بنیادین علم سیاست است. صلح یکی از غایت‌های متفکران علوم سیاسی است که آن را به شکل‌های گوناگون در دوران‌های باستان، میانه، مدرن، و پسامدرن دنبال کرده‌اند. متفکران علوم سیاسی به دنبال آن بوده‌اند که خشونت‌های بین‌المللی را که منجر به جنگ، کشتار جمعی، نسل‌کشی، و ... می‌شده است، ریشه‌یابی کنند و برای رسیدن به رواداری، آرامش، امنیت، رضایت از زندگی، و حل مسالمت‌آمیز مشکلات راه حل ارائه نمایند.

دغدغه ما در این نوشتار رویکردی اسلامی به صلح است و قصد داریم با استفاده از مبانی و تکنیک‌های موجود در اندرنامه امام علی (ع) به سردار خود مالک اشتر، معروف به *عهدنامه مالک اشتر*، به ریشه‌شناسی، مبانی‌شناسی، درک پدیداری شرایط صلح، و از همه مهم‌تر به تکنیک‌هایی که منجر به صلح می‌شود، بپردازیم. پرسش این پژوهش این است که در نامه امام علی (ع) صلح در چه شرایطی به وجود می‌آید؟ امام علی (ع) عوامل ایجادکننده خشونت را چه می‌داند و چه تکنیک‌هایی برای رسیدن به صلح پیشنهاد می‌کند؟ تأکید این نوشتار بر تکنیک‌هایی است که هم قابل اجرا باشند و هم توانایی اثرگذاری بر واقعیت را داشته باشند. بر همین اساس، چهارچوب تئوریک این پژوهش تکنیک‌های قدرت برگرفته از آثار مارتین هایدگر و میشل فوکو و جورجو آگامبن است، که در مورد جایگاه اخلاقی اندرنامه‌نویسی اسلامی به کار گرفته شده است.

۳. چهارچوب تئوریک

صلح شعاری است که همه انسان‌ها خواهان آنند، اما وظیفه متفکر سیاسی این است که بتواند تکنیک‌هایی خلق کند که شعار صلح به واقعیت تبدیل شود. تکنیک به معنای خلق ابزارها و روش‌هایی است که اهداف و ارزش‌های ذهنی را عملیاتی می‌کند. فرق علم سیاست با فلسفه، ادبیات، اندیشه، و ... در این است که علم سیاست تکنیک‌هایی دارد که در خود شیوه‌ها و ضمانت اجراهای ناشی از تخلف را اندیشیده‌اند. اگر سیاست به معنای سامان‌دهی قدرت دارای تکنیک نباشد (فوکو، ۱۳۸۹ الف: ۳۴۲) به عرصه شعر، اخلاق، اسطوره، و ... کشیده می‌شود که درجات بسیار پایینی از صورت‌های آگاهی در قصدیت‌های کارکردی هستند.

در مورد گزارهٔ ایجاد صلح نیز علم سیاست و روابط بین‌الملل در یک قرن گذشته تکنیک‌های مختلفی را طراحی و اجرا کرده‌اند. اصلی‌ترین پارادایم روابط بین‌الملل واقع‌گرایی است که با توجه به شرور دانستن ذات انسان‌ها (Donnelly, 2009: 43) و تحلیل آنارشیک روابط بین‌الملل، به مهار قدرت توسط قدرت اعتقاد دارد (لیتل، ۱۳۸۹: ۲۲۳؛ 81: ibid). واقع‌گرایان بر این باورند که دولت‌های ملی به عنوان اصلی‌ترین بازیگران روابط بین‌الملل باید برای حفظ امنیت ملی خود یا قدرتمند باشند و یا با قدرت‌های بزرگ رابطهٔ استراتژیک داشته باشند. موازنهٔ قوا یکی از راه‌کارهایی است که واقع‌گرایان برای ایجاد صلح پیشنهاد می‌کنند. البته در این راستا جایگاه بمب اتم و موازنهٔ وحشت نیز ضروری است (همان: ۲۸-۳۰). برخلاف این رویکرد آرمان‌گرایان به صلح‌دوستی، عقلانیت، و اخلاق همکاری انسان‌ها باور دارند و جنگ را ذات روابط بین‌الملل نمی‌دانند. متفکرانی چون لاک، کانت، اوهمای و راولز تکنیک‌هایی چون حقوق بشر، دموکراسی، اقتصاد بازار آزاد، حقوق و سازمان‌های بین‌المللی را برای ایجاد صلح ضروری می‌دانند (Griffiths, 1992: 92). برای مثال می‌گویند: حکومت‌های دموکراتیک و اقتصاد بازار هیچ‌گاه با هم نمی‌جنگند و هر چه به سمتی برویم که سازوکارهای بین‌المللی را جهت همکاری شهروندان جهانی تقویت کنیم صلح به صورت خودجوش حاکم می‌شود. در جدول پایین رویکردهای غالب و بسیار مهم و اثرگذار روابط بین‌الملل دربارهٔ صلح و تکنیک‌های هر کدام به صورت مختصر آمده است (ibid: 30-34).

اسلام و به خصوص اندرزنامه‌های به‌جامانده از آن با قرائتی جایگاهی و تکنیکی در مورد قدرت (آگامبن، ۱۳۸۹: ۲۶-۳۲) و سامان‌دهی امر عمومی، گزاره‌های کارآمدی مبتنی بر میراث تداومی اندیشهٔ اسلامی و تجربیات مملکت‌داری تولید کرده‌اند. این پژوهش با استفاده از روش‌شناسی گرفته‌شده از پدیدارشناسی مارتین هایدگر و میشل فوکو به تکنیک‌های مندرج در اندرزنامهٔ امام علی (ع) برای دستیابی به صلح و تداوم آن می‌پردازد. پدیدارشناسی به تقدم عمل و شرایط اجتماعی باور دارد و بار سنگین تعهد سعادت بشری به صورت کلان‌روایت را از دوش آگاهی برمی‌دارد (لیوتار، ۱۳۸۰؛ ویتگنشتاین، ۱۳۸۰). برای صورت‌بندی گزاره‌های امام از فنون راهبردی قدرت (فوکو، ۱۳۸۹ الف: ۲۳۶-۲۴۵ و ۳۶۵-۳۶۸)، صورت‌های تفهیمی، تقدم عمل و شرایط اجتماعی و سایر واژگان و تبعات پدیدارشناسی بهره گرفته‌ایم. امیرالمؤمنین (ع) شش تکنیک جایگاهی و تجربی را برای برقراری صلح در نامه‌اش به مالک ترسیم می‌نماید.

جدول ۱. تکنیک‌های صلح از منظر تئوری‌های علم سیاست

چهارچوب فکری	متفکران	دلایل وجود جنگ	تکنیک‌های ایجاد صلح	آسیب‌شناسی
آرمان‌گرایی	کانت، اوهمای	جنگ اصل نیست برخی مواقع به خاطر حاکم نبودن عقل و توسعه‌نیافتگی شکل می‌گیرد	نوسازی، دموکراسی، حقوق بشر، سازمان‌ها و حقوق بین‌الملل، اقتصاد بازار آزاد	به‌شدت غربی و ساخته‌شده برای هژمونی ابرقدرت‌ها، نفی و حاشیه غیر غرب، خطی و تک‌بعدی
واقع‌گرایی	مورگنتا، والتز	انسان‌ها شرور هستند و منافع سبیری‌ناپذیری دارند، جنگ اصل است و به خاطر ماهیت آنارشیک روابط بین‌الملل شکل می‌گیرد	موازنه قوا، اتحادهای استراتژیک، دست‌یابی به بمب اتم، قدرت‌مندشدن به هر قیمتی	رویکردی بسیار خشک و ضد انسانی، بدون اخلاق، توجیه‌کننده هر گونه خشونت و رویکرد ضد انسانی و ضد عقلانی
انتقادی	والرشتاین، کاکس، هابرماس	سرمایه و پول و رویکرد بازاری در اقتصاد سرمایه‌داری عامل اصلی جنگ است، نگاه ابزاری و فرهنگ سرمایه‌داری استعمار، جنگ و امپریالیست را شکل می‌دهد	انتقاد و مقاومت در برابر سرمایه‌داری، رویکردهای اصلاحی و انقلابی در برابر استعمار و سلطه سرمایه‌داری، توجه به کنش ارتباطی و فضای عمومی (هابرماس، ۱۳۸۶: ۲۰۷-۲۱۰)	وارد کردن اخلاق در سیاست و رویکرد انقلابی فضاهای کیفی زیادی جهت ایجاد دیکتاتوری‌ها و فساد سیستمی ایجاد نمود (هابرماس، ۱۳۸۴: ۴۵۶)، مقاومت‌ها هم صلح‌گرا نبودند
سازهانگاری	ونت، اوف	فهم بازیگران از محیط بین‌الملل اگر آنارشیک باشد به سمت جنگ حرکت می‌کند، هویت‌ها، جهان زیست‌ها و پارادایم‌هایی که با یکدیگر گفت و گو نمی‌کنند عامل اساسی جنگ هستند (wendt, 1992)	گفت‌وگوی تمدن‌ها، فضاهای عمومی انتقادی، جامعه مدنی جهانی، مذاکره، و تساهل نقش اساسی در رسیدن به صلح دارند، توجه به دیپلماسی	مسالمت‌آمیز، هنجاری و خوش‌بین هستند، کم‌توجهی به ساختارها و واقعیات

<p>بسیار تفسیری و روشن‌فکرانه است، تا حدی رادیکال و غیر علمی، نقد بدون راه‌کار</p>	<p>مقاومت در برابر جریان جهانی شدن و حاکم شدن یک فرهنگ، حمایت از حاشیه‌ها و خرده‌گفتمان‌ها، توجه به شبکه قدرت‌های ریز</p>	<p>تئوری کلان وجود ندارد، تئوری‌ها را باید تفسیر کرد، دانش روابط بین‌الملل در ارتباط با قدرت شکل گرفته است (Griffiths, 2009: 207-209)</p>	<p>دردریان، اشلی، نگری، هارت</p>	<p>پسامدرنیسم</p>
<p>فقدان بسیار مهمی را عنوان کرده‌اند، اما به لحاظ تئوریک و علمی بسیار پراکنده و متناقض هستند</p>	<p>توجه به زنان، انتقاد رویکردهای مردسالارانه روابط بین‌الملل، حمایت از جنبش‌های زنان، افزایش نقش زنان در مناسبات سیاسی و اجتماعی صلح را به همراه خواهد آورد</p>	<p>همه تئوری‌های شکل گرفته به نقش زنان توجه ندارند، پدرسالاری و رویکردهای عقل مذکر با جنگ و خشونت ارتباط وسیعی دارد، مردان به شدت پوچ‌گرایند (لوید، ۱۳۸۷: ۵۲)</p>	<p>ایرگاری، سیسکو، فایرستون</p>	<p>فمینیسم</p>
<p>شرایط ابتدایی و کیفی و اخلاقی، نسبی، در نهایت نسوعی آداب تکنیکی و موقعیتی و جایگاهی برای صلح</p>	<p>تجربه و عمل بسیار مهم است، شرایط اجتماعی متفاوت در هر هنجاری در نظر گرفته شود، رویکرد تفهیمی به محیط، رواداری، دوری از شتاب‌زدگی، تواضع</p>	<p>توجه به تجربیات و اخلاق جایگاهی، جنگ یک لحظه است، بردباری و خاموشی خشم، نیت‌خوانی، تقدم اندیشه باعث جنگ و خشونت می‌شود</p>	<p>امام علی (ع)</p>	<p>اخلاق جایگاهی (اندرزنامه اسلامی)</p>

۴. تکنیک متافیزیکی

متفکران اسلامی با رویکردی فقهی، اندرزی، عرفانی یا فلسفی با متن قرآن، احادیث، و سنت بزرگان اسلام برخورد می‌کردند. امام علی (ع) به عنوان حاکم اسلامی و اندرزنویسی هوشمند برای برقراری صلح از اصول و مبانی متافیزیکی بهره می‌گیرد. خداوند، وحی پیامبر و اصول مذهبی همه دستور داده‌اند که برای رضای خداوند، سعادت دنیا و آخرت، رسیدن به بهشت، و نرفتن به جهنم نباید خلق خدا را رنجاند. مردم‌آزاری نکردن و رعیت‌نوازی از کلیدواژه‌های نامه امام علی به پسر حارث است. به گونه‌ای که در بسیاری از قسمت‌های نامه، وظیفه پادشاه را رعیت‌داری و دوری از مردم‌آزاری می‌داند:

روح اله اسلامی و وحید بهرامی عین القاصی ۷

وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ، وَاللُّطْفَ بِهِمْ، وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُهُمْ، فَأَنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ، وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ.

مهربانی و محبت و لطف به رعیت را شعار قلب خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبدا هرگز با رعیت، چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تواند، و دسته دیگر همانند تو در آفرینش هستند (فیض الاسلام، ۱۳۵۱: ۹۹۳).

امام برای اندرز دادن مالک به مردم آزاری نکردن و رساندن جامعه استبدادی و قبیله‌ای روزگارش به حداقلی از صلح از دو تکنیک استفاده می‌کند:

تکنیک‌های اسلامی: در آن دوران در بلاد اعراب پادشاهان و کارگزارانشان به راحتی دستور کشتن افراد را می‌دادند و هر کس خلاف رأی سلطان و منسوبانش نظری می‌داد می‌بایست از جان خویش دست می‌شست، اما در نامه امام علی (ع) به فرستاده‌اش گزاره‌های زیادی درباره مردم آزاری نکردن و تأکید بر عواقب آن وجود دارد و از خداوند به عنوان بزرگ‌ترین مانع مردم آزاری یاد شده است:

وَمَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ خَصْمَهُ دُونَ عِبَادِهِ، وَمَنْ خَاصَمَهُ اللَّهُ أَدْحَضَ حُجَّتَهُ، وَكَانَ لِلَّهِ حَرْبًا حَتَّى يَنْزِعَ وَ يَتُوبَ. وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى إِلَى تَغْيِيرِ نِعْمَةِ اللَّهِ، وَ تَعْجِيلِ تَقْمِتهِ مِنْ إِقَامَةِ عَلِيٍّ ظُلْمًا، فَإِنَّ اللَّهَ يَسْمَعُ دَعْوَةَ الْمُضْطَهَّدِينَ، وَ هُوَ لِلظَّالِمِينَ بِالْمِرْصَادِ.

و هر که بر بندگان خدا ستم کند، افزون بر بندگان، خدا نیز خصم او بود و خدا با هر که خصومت کند، حجتش را نادرست سازد و همواره با او در جنگ باشد تا از این کار باز ایستد و توبه کند. هیچ چیز چون ستمکاری، نعمت خدا را دگرگون نکند و خشم خدا را برنینگیزد، زیرا دعای ستمدیدگان را می‌شنود و در کمین ستمکاران است (همان: ۹۹۶).

در جای دیگری از نامه آن بزرگوار با استفاده از تکنیک‌های اسلامی این گونه مالک را پند می‌دهد:

اعْمَلْ فِيهِمْ بِالْإِعْذَارِ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ تَلْقَاهُ... وَ كُلُّ فَاعِذِرٍ إِلَى اللَّهِ فِي تَأْدِيَةِ حَقِّهِ إِلَيْهِ.

با مردم چنان باش، که در روز حساب که خدا را دیدار می‌کنی، عذرت پذیرفته آید ... و چنان باش که برای یک آن در پیشگاه خداوندی، در ادای حق ایشان، عذری توانی داشت (همان: ۱۰۱۹).

تکنیک‌های طبیعی: علی ابن ابی طالب (ع) در جزای کسی که صلح و امنیت مردم را به خطر می‌اندازد علاوه بر خداوند و عذاب او به قوانین طبیعی نیز اشاره می‌کند، که همیشه به صورت نظم عادلانه روزگار ظالم و مردم آزار را تباہ می‌کنند و قدرتش را به دیگری وامی‌گذارند:

إِيَّاكَ وَ الدَّمَاءَ وَ سَفْكَهَا بِغَيْرِ حِلِّهَا، فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى لِتَقْمَةِ، وَ لَا أَعْظَمَ لَتَبْعَةِ، وَ لَا أُخْرَى
بِرِوَالِ نِعْمَةٍ وَ انْقِطَاعِ مُدَّةٍ مِنْ سَفْكِ الدَّمَاءِ بِغَيْرِ حَقِّهَا.

پس با ریختن خونی حرام، حکومت خود را تقویت مکن، زیرا خون ناحق حکومت را
سست و پست می‌کند و بنیاد آن را برمی‌کند و به دیگری منتقل می‌سازد (همان: ۱۰۲۹).

بنابراین، در روزگار قوانینی است که برهم‌زنندگان صلح و مردم‌آزاران را در همین دنیا
خلع و عقوبت خواهد کرد، زیرا خداوند زندگی را بی‌قانون قرار نداده و قوانین طبیعی
زیادی بر آن حاکم است.

۵. تکنیک تفهمی و پدیداری

صلح بین‌المللی زمانی به خطر می‌افتد که یک‌جانبه‌گرایی ناشی از حقیقت‌پنداری یک
نگرش و اعتقاد به بدون خطا و اشتباه بودن یک ساحت وجود داشته باشد. هرگاه فلسفه،
مذهب، اسطوره، و علم به نحو ایدئولوژیک حقانیت و بدون خطا بودن خود را مطرح
نمایند و تنها راه سعادت انسان‌ها را در یک قرائت اجباری از منابع اطلاعاتی خویش بدانند
بی‌شک جنگ رخ می‌دهد. تاریخ بشر جنگ‌های صلیبی و جنگ‌های جهانی اول و دوم را
به دلیل ایدئولوژی شدن مذهب و علم ثبت کرده است. انسان‌ها به احترام نیاز دارند و
هرگاه هویت آن‌ها، که بر اثر پرتاب‌شدگی در جهان (Heidegger, 1993: 152) به صورت
انتصابی و اکتسابی شکل گرفته است، مورد شناسایی واقع نشود و تحقیر شود تنش،
جنجال، و خشونت به وجود می‌آید. رخت بر بستن صلح اغلب به خاطر توهین به هویت‌ها
و جنگ پارادایم‌هایی است که یکدیگر را قبول نمی‌کنند.

امروزه، به لحاظ روشی، یکی از بهترین شیوه‌های استدلال در فلسفه تاریخ و
سیاست پدیدارشناسی است. پدیدارشناسی بسیار تفهمی و هم‌دلانه با متن خود برخورد
می‌کند و توانایی گوش دادن به محیط را دارد. احترام گذاشتن به تفاوت‌ها، گوش دادن
به تکثرها و رواداری نسبت به عقلانیت‌ها باعث می‌شود که متن زندگی اجتماعی و
سیاسی انسان‌ها نوعی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و حتی گفت‌وگوی جهان‌زیست‌ها را
تجربه کند. صلح بر اثر ارتباطات بشری و فهم جهان‌زیست‌ها از یکدیگر حاصل
می‌شود (ibid: 70).

مسلمانان به علت سیاست و تدبیر پیامبر و رهنمودهای قرآن توانستند با خاندان‌های
بیابان‌گرد و وحشی عرب صلح کنند و مأمین مسافران، تاجران، هنرمندان، و حتی فقیران و

بی‌پناهان باشند. علی (ع) به عنوان مردم‌شناس و جامعه‌شناسی بزرگ همهٔ هویت‌ها و جهان‌زیست‌های اطراف خود را به دقت می‌دید، می‌شنید، و می‌خواند. علی ابن ابی‌طالب (ع) عقلانیتی پدیداری داشت و به خوبی هویت‌های اطراف خود را درک می‌کرد. نامهٔ امام علی به مالک اشتر در *نهج‌البلاغه*، با سبکی هم‌دلانه و پدیداری نسبت به مدیریت رخدادهای سیاسی، نگاشته شده و یکی از کاربردی‌ترین متون به لحاظ بازی‌های زبانی و روایت‌های متکثر است. امام به لحاظ پدیداری اقشار گوناگون اجتماعی هم‌چون نظامیان، قضات، کارگزاران دولتی، مالیات‌دهندگان، نویسندگان و منشیان، بازرگانان و صاحبان صنایع، محرومان و مستضعفان را می‌شناسد و با ادبیات آن‌ها آشناست. منطق و مبانی فکری و شیوه‌های استدلال اغلب اقشار اجتماعی را می‌داند و به خوبی با آن‌ها هم‌دلی می‌کند. نامهٔ ۵۳ *نهج‌البلاغه* مخزن مردم‌شناسی پدیداری است و یکی از هم‌دلانه‌ترین روایت‌ها و جدال‌های سیاسی - اجتماعی را به نمایش گذاشته است.

امیرالمؤمنین خطاب به مالک می‌گوید:

وَلَا تَقُولَنَّ إِنِّي مُؤَمَّرٌ أَمْرُ فَاطَاعُ، فَإِنَّ ذَلِكَ إِذْغَالٌ فِي الْقَلْبِ، وَمَنْهَكَةٌ لِلدِّينِ، وَتَقَرُّبٌ ...

به مردم نگو، به من فرمان دادند و من نیز فرمان می‌دهم، باید اطاعت شود ...
(فیض‌الاسلام، ۱۳۵۱: ۹۹۳).

صلح اغلب در صورتی پدید می‌آید که انسان‌ها همین اصل ساده را در بازی‌های سیاسی و بین‌المللی رعایت کنند و به همان نسبتی که به خود حق می‌دهند به دیگری نیز حق دهند و این همان عدالت به مثابه انصاف و اخلاق استعلایی کانت است. هم‌چنین این بزرگوار در ادامه بر این نکته تأکید دارد که حاکم و مسئول یک جامعه دائماً اشتباه خود را عیان سازد، زیرا این امر از خشم دیگر مردمان می‌کاهد و هم‌چنان تو را لایق مسئولیت می‌داند:

وَإِنْ ظَنَنْتَ الرَّعِيَّةَ بِكَ حَيْفًا فَاصْحِرْ لَهُمْ بَعْدُكَ، وَاعْدِلْ عَنْكَ ظُنُونَهُمْ بِاصْحَارِكَ، فَإِنَّ فِي ذَلِكَ رِيَاضَةً مِنْكَ لِنَفْسِكَ، وَرِفْقًا بِرَعِيَّتِكَ، وَاعْدَارًا تَبْلُغُ بِهِ حَاجَتَكَ مِنْ تَقْوِيمِهِمْ عَلَى الْحَقِّ.

و هرگاه رعیت بر تو بدگمان گردد، افشاگری نموده عذر خویش را آشکارا در میان بگذار، و با این کار از بدگمانی نجاتشان ده، که چون چنین کنی، خود را به عدالت پرورده‌ای و با رعیت مدارا نموده‌ای. عذری که می‌آوری سبب می‌شود که تو به مقصود رسی و آنان نیز به حق راه یابند (همان: ۱۰۲۶).

علی (ع) این درک تفهیمی را دارد که جنگ اغلب در شرایط گوش نکردن به سخن و درک نکردن شرایط دیگران و عدم اقرار به اشتباه به وجود می‌آید.

۶. تکنیک تقدم عمل بر دانش (واقع‌گرایی)

یکی از عواملی که همیشه در طول تاریخ باعث نابودی صلح شده، تقدم دانش بر عمل و اعتقاد به تعهدات آگاهی‌محور بوده است. از افلاطون گرفته تا هگل و از مارکس گرفته تا اغلب فیلسوفان قرن بیستم، تعهد بالایی به فلسفه داشتند و بر این باور بودند که روشنفکران و اصحاب آگاهی باید مردم را از جهل و نادانی نجات دهند و شیوه‌های اعتراض و شورش جمعی علیه سنت و ساختارهای استبدادی را به آن‌ها یاد دهند. رویکرد سوژه‌گرا و مکانیکی به قدرت در قرن بیستم کژکارکردی‌های بسیار زیادی را به بار آورد و باعث شد بسیاری از انقلاب‌ها، جنگ‌ها، آشوب‌ها و کودتاها، به قصد حاکم کردن دانش و عقلانیت، رخ دهند. آرمان‌شهرها بر نوعی از اصالت ماهیت استوار بودند که در ذات خود تکلیف انسان را از ابتدا تا انتهای تاریخ مشخص می‌کردند. بشر همیشه با اصالت بخشیدن بیش از اندازه به عقلانیت، اختیار، و توانایی آدمی صورت‌هایی از مذهب را خلق کرده و به دنبال ایجاد مریدانی بوده است که تنها کنش سیاسی و اغلب خشونت‌آفرین آن‌ها را برای بهشت زمینی خواستار بوده است. نقد جریان آگاهی‌محور در روش‌شناسی پدیدارشناسی با افکار ویتگنشتاین دوم، هوسرل، هایدگر، آرنتم، و فوکو در قرن بیستم فجایع تقدم آگاهی را نشان داد (Passerin D'entrèves, 1994: 64-83). هوسرل و هایدگر بر این اعتقاد بودند که فلسفه و اندیشه مدرن، که رویکردی مکانیکی دارد، ذهنیت را بر عینیت تقدم داده است در حالی که واقعیت‌های اجتماعی و صورت‌بندی‌های سنت ساختاری و قوام‌یافته در تاریخ همانند بازی‌های زبانی دارای عقلانیت‌های خودجوشی هستند (ویتگنشتاین، ۱۳۸۰) که چندان به دست فردانیت‌ها و سوژه‌های خودبنیاد نیستند. توجه به عمل و واقعیات اجتماعی برای انسان‌ها امنیت، آرامش، و صلح به ارمغان می‌آورد. دلیلی ندارد انسان‌ها بر اساس ایدئولوژی‌های آرمانی، خود و جامعه‌شان را در آگاهی کاذبی فرو ببرند و همه سرمایه‌های اجتماعی را قربانی آگاهی استبدادی حاکم‌شده‌ای کنند که اغلب بعد از قدرت، تکثر را بر نمی‌تابد. خشونت، جنگ، و نابودی صلح ناشی از تقدم آگاهی بر عمل و کنش است.

ائمه اطهار به لحاظ شخصیت و منش اخلاقی بسیار آرام و صلح‌جو بوده‌اند. علی ابن ابی طالب (ع) نیز در اندرزهای بسیار زیرکانه اش در نامه به مالک با توجه به تکنیک برآمده از تقدم عمل بر دانش شرایط صلح با دشمن را ترسیم می‌کند. صلح به معنای آرامش، آسایش، و نبود خشونت و جنگ در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه، به شیوه‌ای بسیار عملی ترسیم شده است. امیرالمؤمنین می‌فرماید:

و لَا تَدْفَعَنَّ صَلْحاً دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوُّكَ وَ لِلَّهِ فِيهِ رِضْيٌ، فَإِنَّ فِي الصُّلْحِ دَعَةً لِجُنُودِكَ، وَ رَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ، وَ أَمْنًا لِبِلَادِكَ.

هرگز پیشنهاد صلح از طرف دشمن را که خشنودی خدا در آن است رد مکن، که آسایش رزمندگان و آرامش فکری تو و امنیت کشور در صلح تأمین می‌گردد (فیض‌الاسلام، ۱۳۵۱: ۱۰۲۷).

این گفته به تکنیک‌های کاملاً عملی و عینی و بدیهی‌ای اشاره می‌کند که همه در زندگی آن‌ها را تجربه کرده‌اند. مثلاً، دو کشور، ملت، یا قومی که به علت ایدئولوژی‌های آرمانی، رفتار، گفتار، یا سنت پیشینیان خود مدت مدیدی در جنگ بوده‌اند و هرگز به صلح راضی نشده‌اند. علی (ع) سعی دارد اخلاق جایگاهی را ترسیم کند، که تقدم را به کنش و عمل می‌دهد. توجه به عمل و قرار دادن اندیشه در ضرورت‌های عینی و ساختاری واقعیت‌های زندگی باعث برقراری آرامش و صلح می‌شود. این سبک امام که به شرایط حال دشمن اشاره دارد نه به سنت یا ایدئولوژی آرمانی و گذشته دشمنان، نوعی صلح را شکل می‌دهد که بسیار واقع‌گراست. بنابراین، همیشه باید وضعیت‌های اجتماعی و کنش و عمل را بر آگاهی برتری داد و برای دوری از خشونت و جنگ و برقراری صلح به سمت آگاهی‌های ذهنی، که با توجه به قصدیت‌های بسته انسان شکل می‌گیرد و صلح بشری را بر هم می‌زند، نرفت.

۷. تکنیک نیت‌خوانی نکردن

تکنیک نیت‌خوانی نکردن یکی از آسان‌ترین، عملی‌ترین، و دم‌دست‌ترین روش‌های رسیدن به صلح است که در اندرز به مالک اشتر به نحوی ضمنی به آن پرداخته شده است. اغلب شرایط صلح زمانی به هم می‌ریزد که انسان‌ها یا در ذهن خود مشغول چیدن مقدمات خلاف واقعیت می‌شوند یا در حال گوش سپردن به حرف‌های خلاف واقعیت هستند. امیرالمؤمنین (ع) در این زمینه بسیار محتاط است. معذورات و کم و کاستی‌های انسان‌ها را می‌داند و سعی می‌کند تا حد ممکن کلیشه‌ها و رویه‌های معمول را، که به صورت نام‌نهی در ذهن و افکار عمومی شکل می‌گیرد، قبول نکند و با آن‌ها مبارزه کند. معمولاً انسان‌ها را به مثابه حیواناتی می‌دانند که زبان دارند. زبان به معنای تفسیرکننده هستی و همیشه نیز میان واقعیت و بازتاب آن در ذهن تمایز وجود دارد. این تمایزها باعث کنش و واکنش‌های رفتاری می‌گردد. بنابراین، انسان همه اندیشه است و اگر بر نشانه‌ها و معانی‌ای که در

ذهنش تولید می‌شود کنترل نداشته باشد ممکن است بر اساس تفسیرهای بسته، یک‌جانبه، بدون قصد خیر، و تنها با در نظر گرفتن خود به صدور گزاره‌های قضاوتی پردازد که به بر هم خوردن صلح و آرامش منجر می‌گردد. جالب آن جاست که زندگی انسان‌ها بر همین روایت‌ها (لیوتار، ۱۳۸۰) بنا شده است. روایت‌های تفسیری که در نتیجه قصدیت و نیت‌خوانی ذهن فردی و جمعی شکل می‌گیرد اغلب درست و اشتباه ندارد و به محض قدرت گرفتن و عملی شدن وجوه مشروعیتش را نیز با خود همراه می‌کند. این اصل به همان تقدم عمل و شرایط اجتماعی بر اندیشه برمی‌گردد. امیرالمؤمنین این‌گونه به مالک پند می‌دهد: «وَ تَغَابَ عَنْ كُلِّ مَا لَا يَصِحُّ لَكَ، وَ لَا تَعْجَلَنَّ إِلَى تَصْدِيقٍ»؛ «و در هر چه از دیگران که برای تو ثابت نشده خود را به غفلت زن و در تصدیق و باور داشتن گفته‌های انسان بدگو و سم‌پاش شتاب منما» (فیض‌الاسلام، ۱۳۵۱: ۹۹۸). امام دستور می‌دهد از آن دسته مسائلی که وضعیت روشنی ندارد چشم‌پوشی نماید و نزدیک آن نگردد. امام همچون سیاست‌مداری حرفه‌ای می‌داند چگونه برخورد کند که صلح برقرار شود. موارد دیگری از شاهکارهای نامه به مالک که در زمینه تکنیک نیت‌خوانی نکردن در این اخلاق جایگاهی آمده، این است که قضاات خود را از میان افرادی که به نیت‌خوانی نمی‌پردازند انتخاب کن:

ثُمَّ اخْتَرُ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيْبِكَ فِي نَفْسِكَ مِمَّنْ ... وَ لَا يَكْتَفِي بِأَدْنَىٰ فَهْمٍ دُونَ أَقْصَاءَ، وَ أَوْفَقَهُمْ فِي الشُّبُهَاتِ، وَ آخَذَهُمْ بِالْحُجَجِ، وَ أَقْلَهُمْ تَبْرُمًا بِمِرَاجَعَةِ الْخُصْمِ، وَ أَصْبَرَهُمْ عَلَىٰ تَكْشُفِ الْأُمُورِ.

برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن، کسی که ... در شناخت مطالب با تحقیقی اندک رضایت ندهد و در شبهات از همه بااحتیاط‌تر عمل کند و در یافتن دلیل اصرار او از همه بیشتر باشد و از مراجعه پیاپی شاکیان خسته نشود و در کشف امور از همه شکیب‌تر باشد (همان: ۱۰۰۹).

۸. تکنیک بردباری و فرو خوردن خشم

با توجه به رویکرد پدیدارشناسانه‌ای که علی (ع) دارد و عمل را بر اندیشه تقدم می‌دهد، بهای چندانی به شتاب‌زدگی و ستیزه‌جویی نمی‌دهد. در زمانه امیرالمؤمنین بسیاری از کارگزاران و سپاهیان، به تبعیت از دوران عرب جاهلی، با ستیزه‌جویی و خشم راهی می‌جستند که به قدرت نزدیک شوند و با ایجاد جذب و وحشت در اطراف خود زمینه‌ای امن برای زندگی فراهم کنند. بنابراین، اغلب عقلانیت در شکل مجادله، قصدیت نزدیکی به

قدرت و ظلم به رعیت را در پی داشت و آنچه تباه می‌گردید سرشاخه‌های خرد و معرفتی بود که به دست اندک بزرگان این قوم بنا نهاده شده بود. امیرالمؤمنین خود از بزرگان قوم بود و فواید فرو خوردن خشم و بردباری کردن و انجام دادن اعمال بر پایه عقلانیت روزگار را می‌دانست و البته بیش‌تر به کاربرد عملی و شیوه‌های اجتماعی آن‌ها نظر داشت. امام در این عرصه‌های هولناک ستیزه‌جویی سعی می‌کرد نشان دهد که آنچه مجادله و ستیز را شکل می‌دهد، چیزی جز خشونت، شتاب‌زدگی و جنگ‌های بی‌مورد نیست. صلح فقط در بردباری و آرامش ناشی از خاموشی خشم برقرار می‌شود. امیرالمؤمنین بسیار کاربردی و در قالب اندرزهای جایگاهی، تکنیک‌های رسیدن به صلح در جوامع انسانی را بردباری، در اختیار گرفتن تیزی زبان، و دوری از شتاب‌زدگی در خشم بیان می‌کند. به عقیده ایشان در غیر این صورت، صلح و امنیت از بین می‌رود و روابط انسانی جز خشونت و جنگ نتیجه‌ای نخواهد داشت.

إِذْ لَكَ حَمِيَّةٌ أَنْفَكَ، وَ سُوْرَةَ حَدَكِ، وَ سَطُوْرَةَ يَدِكِ، وَ غَرْبَ لِسَانِكِ، وَ احْتَرِسُ مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بِكَفِّ الْبَادِرَةِ، وَ تَأْخِيْرِ السُّطُوْرَةِ، حَتَّى يَسْكُنَ غَضَبُكَ فَتَمْلِكَ الْاِخْتِيَارَ.

خشم و شدت و غضب و سرکشی و قدرت و تیزی زبانت را در اختیار گیر و از تمام این امور به بازداشتن خود از شتاب در انتقام پرداز و با به تأخیر انداختن حمله و سطوت خود را حفظ کن، تا خشم آرام گردد و عنان اختیارت را به دست گیری (همان: ۱۰۳۱).

۹. تکنیک تواضع

در ابتدای مدرن شدن جوامع اغلب متفکران خوش‌بین بودند که با استفاده از عقلانیت بی‌طرف و سوژه‌گرایی که تجدد به همراه دارد می‌توان نابرابری، فقر، جنگ، خشونت، و حتی مرگ را نابود کرد. به تدریج هیچ امری نتوانست جلوی قصدیت ریاضی کردن جهان را بگیرد و قصدیت سرشار از طمع و سیری‌ناپذیر آدمی، جهان را به مثابه شیء بی‌جانى نگریست که باید تحت سلطه انسان درآید (هایدگر، ۱۳۷۷). در این محیط سرشار از دوندگی‌های بی‌پایان، به ناگاه حرص و طمع و نگریستن به هستی به مثابه منبع انرژی به محیط انسانی و اجتماعی نیز کشیده شد. بشر دیگر فرقی میان کوه، سنگ، نفت، و انسان نمی‌گذاشت. به تدریج به انسان‌ها و زندگی‌شان نیز مانند منبع انرژی نگریسته شد و به میزان فایده‌مندی مورد بهره‌برداری قرار گرفتند. انسان‌ها به عنوان نیروی کار در کارخانه‌ها و ربات‌های جنگنده در میدان نبرد، کلیشه‌هایی تکراری شدند که به صورت از خود بیگانه

شده در سیستم‌های مکانیکی و کوانتومی به کار گرفته می‌شوند. انسان قرن بیستم و حتی قرن بیست و یکم روی صلح را نخواهد دید، چرا که عقلانیت بی‌نهایتی مبتنی بر تولید، مصرف، و سیری ناپذیری بی‌کران بر سراسر کره زمین حاکم شده است. طغیان طبیعت در برابر این عقلانیت نابخردانه طمع‌کار به صورت سیل، زلزله، سونامی، خشک‌سالی، بیماری‌های ناشناخته پدیدار می‌شود و کژکارکردی ریاضی کردن هستی و تبلور آن در دنیای انسانی به صورت جنگ و خشونت نمودار می‌شود. هستی و حیات جمعی انسان‌ها دارای شعوری است که در برابر عقلانیت ابزاری مقاومت می‌کند و تاکنون واکنش‌های شدیدی نسبت به شیء‌انگاری صورت گرفته است. به خصوص زمانی که استعمار، استثمار، و امپریالیست به حیطه سیاست و اجتماع انسان‌ها کشیده شده صلح به راحتی از میان انسان‌ها رخت بریسته است.

علی (ع) دقیقاً به این موضوع نظر دارد و در اندرز خود با استفاده از تکنیک قناعت، عرفان، و دوری از دنیا سعی می‌کند آرامش و صلح و حتی کنش آزادانه انسانی را در این فضا ترسیم کند:

لَيْكُنْ أَحَبُّ الدَّخَائِرِ إِلَيْكَ ذَخِيرَةَ الْعَمَلِ الصَّالِحِ. فَأَمْلِكْ هَوَاكَ، وَ شُحَّ بِنَفْسِكَ عَمَّا لَا يَجِلُّ لَكَ،
فَإِنَّ الشُّحَّ بِالنَّفْسِ.

پس نیکوترین اندوخته تو باید اعمال صالح و درست باشد، هوای نفس را در اختیار گیر و از آنچه حلال نیست خویشتن‌داری کن (فیض الاسلام، ۱۳۵۱: ۹۹۲).

زیرا دنبال دنیا دوییدن و به مال دنیا حریص بودن و همه ارتباطات انسانی را به اقتصاد نسبت دادن باعث می‌شود انسان دیگر شبان هستی نباشد و از آرامش و صلح بی‌بهره گردد و به انسانی ستمگر تبدیل شود. به همین دلیل علی (ع) به مالک هشدار می‌دهد که با انسان حریص معاشرت نکند:

وَلَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ حَرِيصًا، يُزِينُ لَكَ الشَّرَّ بِالْجَوْرِ.

حریص را در مشورت کردن دخالت نده، که حرص را با ستمکاری در نظرت زینت می‌دهد (همان: ۹۹۸).

امام با توجه به فهم عمیق خود از دنیا می‌داند که تلاش و دید ابزاری به دنیا و انسان‌ها صلح و آرامش را بر هم می‌زند. او همیشه زهد و سیاست را رو در روی هم می‌بیند و یکی از راه‌کارهای سعادت را زاهد و قانع بودن می‌داند:

وَ اجْعَلْ لِنَفْسِكَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ أَفْضَلَ تِلْكَ الْمَوَاقِيتِ وَ اجْزَلِ تِلْكَ الْأَقْسَامِ، وَ إِنْ كَانَتْ كُلُّهَا لِلَّهِ إِذَا صَلَحَتْ فِيهَا النَّبِيُّ، وَ سَلِمَتْ مِنْهَا الرَّعِيَّةُ. وَ لِيَكُنْ فِي خَاصَّةٍ مَا تُخْلِصُ لِلَّهِ بِهِ دِينَكَ إِقَامَةَ فَرَائِضِهِ الَّتِي هِيَ لَهُ خَاصَّةٌ، فَاعْطِ اللَّهَ مِنْ بَدَنِكَ فِي لَيْلِكَ وَ نَهَارِكَ، وَ وَفَّ مَا تَقَرَّبْتَ بِهِ إِلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ كَامِلًا غَيْرَ مَثْلُومٍ وَ لَا مَنْقُوصٍ، بِالْغَا مِنْ بَدَنِكَ مَا بَلَغَ.

نیکوترین وقت‌ها و بهترین ساعات شب و روزت را برای خود و خدای خود انتخاب کن؛ اگرچه همه وقت برای خداست، آن‌گاه که نیت درست و رعیت در آسایش قرار داشته باشد. از جمله کارهایی که به خدا اختصاص دارد و باید با اخلاص انجام دهی، انجام واجباتی است که ویژه پروردگار است، پس در بخشی از شب و روز، تن را به پرستش خدا اختصاص ده، و آنچه تو را به خدا نزدیک می‌کند بی‌عیب و نقصانی انجام ده، اگر چه دچار خستگی جسم شوی (همان: ۱۰۲۲-۱۰۲۳).

بنابراین، برای احترام به هستی و شبان هستی بودن و نیز رویکرد ابزاری نداشتن به انسان‌ها باید کمی آرام بود و به متن زندگی و روایت‌های انسانی گوش فرا داد. علی (ع) هم تکنیک قناعت را برای صلح ضروری می‌داند، چرا که کنش ارتباطی را با قصدیت تجاری به هم نمی‌زند و هم زهدی را که به شعور هستی احترام می‌گذارد.

جدول ب. تکنیک‌ها و نمودهای صلح از منظر امام علی (ع)

نمودها (کیفی‌سازی عملی، اخلاقی)	تکنیک‌های امام علی (ع) برای صلح
حاضر دانستن خداوند در همه لحظات و ارجاع دادن دآوری و قضاوت نهایی به او، آرامش بر اساس توحید	۱. تکنیک متافیزیکی
تفهم متن و گوش دادن به جهان‌زیست‌های اطراف، آموختن بازی و ادبیات زبانی آن‌ها	۲. تکنیک پدیداری
تقدم شرایط اجتماعی در تحلیل‌ها و اعتقاد به تکنیک‌های واقع‌گرا	۳. تکنیک تقدم عمل
تحقیق و تفحص دقیق و پرهیز کردن از قضاوت زودهنگام	۴. تکنیک نیت‌خوانی نکردن
بردباری، در اختیار گرفتن تیزی زبان، دوری از شتاب‌زدگی در خشم	۵. تکنیک بردباری و خاموشی خشم
آرامش و بر هم نزدن امنیت مردم، دنبال دنیا نرفتن، زهد و عبادت پروردگار	۶. تکنیک تواضع

۱۰. نتیجه‌گیری

در این مقاله، نامه امام علی (ع) به کارگزار خود مالک اشتر، که با عنوان نامه ۵۳ در نهج‌البلاغه آمده و به «عهدنامه مالک اشتر» معروف است، از منظر پدیدارشناسی تکنیک‌های صلح از دید آن حضرت به‌اختصار مورد بررسی قرار گرفت. برخی از تکنیک‌های امیرالمؤمنین برای امروز نیز کاربرد دارد. او با بیان آموزه‌هایش تلاش کرد تا صلح، امنیت و آرامش را به جامعه روزگار خود برگرداند. امام برای ایجاد صلح از تکنیک‌های جزئی، جایگاهی، و بسیار عملی استفاده می‌کند و به خواننده و مخاطب خود این اختیار را می‌دهد که تنها از آن حادثه در زمان و مکان خودش تکنیک‌آموزی به قصد صادر نمایند، اما این‌که کدام جایگاه‌ها با کدام تکنیک‌ها تطابق پیدا می‌کند برعهده کنش‌گران و متفکران عرصه سیاسی است. بنابراین، علی (ع) به هیچ عنوان گزاره‌های از پیش تعیین و بسته‌بندی شده‌ای جهت صلح صادر نمی‌کند. علی ابن ابی‌طالب با استفاده از روایت‌سازی تفهیمی و پدیداری جهت استقرار صلح می‌گوید: به متن وجود و هستی احترام بگذارید، از شتاب‌زدگی در خشم و ستیزه‌جویی خودداری کنید، نیت‌خوانی نکنید، بیش از تفکر و اعتقاد به تقدم آگاهی به کنش و عمل اجتماعی باور داشته باشید، بردباری را فراموش نکنید، و بیش از اندازه دنبال دنیا نباشید. مجموعه حدقلی و بسیار عملی و جایگاهی اندرزهای علی (ع) تکنیک‌های خارق‌العاده‌ای ایجاد نموده است که در صورت رعایت کردن آن‌ها می‌توان صلح را برقرار کرد. البته همه این گزاره‌ها تنها با شرایط عملی و صورت‌های واقعی زندگی قابل اجراست به نحوی که تکنیک‌هایی کلی و جهان‌شمول نیستند. این مقاله تلاشی بود جهت شالوده‌شکنی کلیشه آرمانی و حاشیه‌ای؛ به نحوی که نشان داد مانیفست اندیشه سیاسی شیعیان کاملاً تکنیکی و دارای فرمول است.

منابع

- آگامبن، جورجو (۱۳۸۶). *قانون و خشونت*، ترجمه مراد فرهادپور و امید مهرگان، تهران: فرهنگ صبا.
- آگامبن، جورجو (۱۳۸۹). *آپاراتوس چیست؟*، ترجمه یاسر همتی، تهران: رخداد نو.
- فوکو، میشل (۱۳۸۹). *تولد زیست‌جهان*، ترجمه رضا نجف‌زاده، تهران: نشر نی.
- فیض‌الاسلام، سید علینقی (۱۳۵۱). *ترجمه و شرح نهج‌البلاغه، خطبه‌ها و سخنان کوتاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام*، تهران: کلاله خاور.

لیتل، ریچارد (۱۳۸۹). *تحول در نظریه‌های موازنه قوا*، ترجمه غلامعلی چگینی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

لیوتار، ژان فرانسوا (۱۳۸۰). *وضعیت پسا مدرن*، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران: گام نو.

ویتگنشتاین، لودویگ (۱۳۸۰). *پژوهش‌های فلسفی*، ترجمه فریدون فاطمی، تهران: مرکز.

هایدگر، مارتین (۱۳۷۷). *پرسش از تکنولوژی، مقاله برگرفته از فلسفه تکنولوژی*، ترجمه شاپور اعتماد، تهران: مرکز.

Donnelly, Jack (2009). *Realism and International Relations*, London: Cambridge University Press.

Griffiths, Martin (1992). *Realism, Idealism and International Politics A Reinterpretation*, London and New York: Routledge.

Habermas, j. (1994). *Knowledge and Human Interest*, Translated by shaper, London: Cambridge polity press.

Heidegger, Martin (1993). *Philosophical and Political Writings*, Manfred Stassen (ed.), New York and London: Continuum.

منابع دیگر

آگامبن، جورجو (۱۳۹۰). *وسایل بی‌هدف، یادداشت‌هایی در باب سیاست*، ترجمه امید مهرگان و صالح نجفی، تهران: چشمه.

جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۶۹). *حکمت و اصول سیاسی اسلام*، ترجمه و تفسیر فرمان مبارک امیرالمومنین علی (ع) به مالک اشتر، تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.

فوکو، میشل (۱۳۸۹ ب). *تئاتر فلسفه (گزیده درس‌گفتارها، کوتاه‌نوشته‌ها و گفت‌وگوها)*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نشر نی.

فوکو، میشل (۱۳۸۹ ج). *باید از جامعه دفاع کرد*، ترجمه رضا نجف‌زاده، تهران: رخداد نو.

لوید، ژنویو (۱۳۸۷). *عقل مَدکر*، ترجمه محبوبه مهاجر، تهران: نشر نی.

هابرماس، یورگن (۱۳۸۴). *کنش ارتباطی*، ج ۱، ترجمه کمال پولادی، تهران: روزنامه ایران.

هابرماس، یورگن (۱۳۸۶). *دگرگونی ساختاری حوزه عمومی، کاوش در باب جامعه بورژوازی*، ترجمه جمال محمدی، تهران: افکار.

Griffiths, Martin (2009). *Fifty Key Thinker in International Relation*, London and Newyork: Routleuge.

Passerin D'entrèves, Maurizio (1994). *The Political Philosophy of Hannah Arendt*, London and New York: Routledge.

Wittgenstein, L. (1967). *Lectures & Conversations on Aesthetics, Psychology and Religious Belief*, Cyril Barrett (ed.), Berkeley and Los Angeles: University of California Press.

